

نمایشنامه

«ذبیح»

سرشناسه	:	رنگرز، صبوره، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نمایشنامه ذبیح/صبوره رنگرز؛ با مقدمه عطااله کوپال.
مشخصات نشر	:	تهران: آماره، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۸ص.
شابک	:	978-600-744682-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فپا
موضوع	:	نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian drama -- 20th century
شناسه افزوده	:	کوپال، عطاالله، ۱۳۳۸ -، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	:	PIR۸۰۷۵
رده بندی دیویی	:	۶۲/۲۸۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۲۸۰۰۴

نمایشنامه

«ذبیح»

صبوره رنگرز

با مقدمه‌ای از دکتر عطااله کوپال



©Nashre Amareh, MMXXI



نشر آماره

کارگاه نوآوران ادبیات	نمایشنامه
زیر نظر: دکتر عطاءالله کوپال	

با همکاری

عنوان اثر: ذبیح

نویسنده: صبوره رنگرز

با مقدمه‌ای از دکتر عطاءالله کوپال

شابک: ۹-۸۲-۷۴۴۶-۶۰۰-۹۷۸

چاپ اول، ۱۳۹۹

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان

دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وبسایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashre.amareh.ir

یادداشت ناشر

تا سه - چهار سال پیش، شاید هنوز هم، وقتی در کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها سراغ نمایشنامه‌های ایرانی می‌رفتم، از کمی آثار داخلی و خالی بودن قفسه‌های کتاب از نام نویسندگان جوان و خوش‌قریحه و باذوق عرصه ادبیات نمایشی، دچار یأس و ناامیدی می‌شدم. گونه‌ای ادبی که در سخت‌ترین شرایط جوانه‌زده و در بحرانی‌ترین زمان بالیده و رشد کرده بود، حالا دچار رکود و فراموشی شده بود!

برای احیا و جمع‌کردن آثار، راه‌حل‌های زیادی وجود داشت. یکی از آن‌ها تماس و ارتباط گرفتن با عزیزان اهل قلم و صاحب سبک بود که تعدادی از اساتید دانشگاهی و تعدادی هم از دوستان تئاتری و هم‌قلم بودند. راه دیگر ایجاد انگیزه و دست‌دراز کردن به طرف مؤلف‌های جوان بود که همین کار هم انجام شد. اولین کتاب را در سال ۹۷ چاپ کردیم که با استقبال خوبی همراه بود و بعد به ترتیب طی هماهنگی با نویسندگان بزرگ و صاحب‌نام که بر ما منت گذاشتند تا در خدمتشان باشیم. تعداد زیادی اثر به دستم رسید. خب باید از این استقبال قدرانی می‌شد. بهترین شکل قدردانی، برخورد علمی- ادبی و منصفانه با نمایشنامه‌ها بود. باید بهترین‌ها را انتخاب می‌کردم آن هم با اصول و معیارهای قابل قبول. برای اینکه این برخورد علمی- ادبی منصفانه صورت گیرد، از میان همه نویسندگان که سال‌ها کار کرده بودند. تعداد چشمگیری را

انتخاب کردم که شایسته چاپ در این پک ادبی بودند. تا هر خواسته و سلیقه‌ی مخاطب اهل تئاتر را فراهم کرده باشم. بسیار سخت‌گیر و مشکل‌پسند که چندین اثر گواه این ادعاست.

انتشارات آماره به نیت همراه شدن با نمایشنامه‌نویسان و ارج نهادن به شور و شوق آفرینشگرانه آن‌ها در این وضعیت عجیب و ترسناک اقتصادی به یاری و خواست خدا و همت شما نویسندگان عزیز این مسیر را ادامه خواهد داد. امیدواریم که مجموعه نمایشنامه‌ها مورد پسند خوانندگان عزیز قرار بگیرد و انگیزه‌ای باشد برای خلق آثار بهتر. در پایان از مدیرمسئول محترم انتشارات آماره جناب آقای فرهاد نوع‌پرست که زحمت بسیار زیادی کشیدند و از تیم زحمتکش این نشریه و انتشارات که امکانات گرم کردن این فضا را مهیا ساخت، بسیار متشکرم.

هومن بنائی
دبیر بخش ادبیات نمایشی و
داستانی

مقدمه

جنایت همواره ذهن بشر را از دیرباز، از بدو خلقت تا امروز، به خود مشغول داشته است. جنایت و مکافات آن، موضوعی است که ادبیات نمایشی از یونان باستان تاکنون، به آن پرداخته است. از هنگام کشته شدن قابیل به دست برادر و قتل لایئوس توسط پسرش ادیپوس، جنایت خانوادگی به عنوان نوعی تبهکاری خصوصی در تاریخ رذالت‌های بشری ثبت شده است. نمایشنامه «ذبیح»، نوشته‌ی صبوره رنگرز، واگویی نوینی از گونه‌ای جنایت خانوادگی است. در این واگویی، شاهد روایتی ادیپوس‌گونه هستیم؛ قتل پدری به دست پسر. اما برخلاف تراژدی ادیپوس، این خودِ عمل نیست که گره‌افکنی اصلیِ درام را پدید آورده، بلکه نتایج آن در یک گره‌افکنی جدید، پسر را که مظنون به قتل قلمداد می‌گردد، همچون پاندولی بین مرگ و زندگی در نوسان نگه‌داشته است. در تراژدی نخستین سوفوکل، فرزندان ادیپوس کوچکتر از آنند که در سرنوشت پدر نقش ایفا کنند، اما در نمایشنامه‌ی ذبیح، پسر بزرگ‌تر پس از مرگ پدر، اینک خود به عنوان جانشینی مستبد بر اریکه‌ی قدرت پدر ستمگر نشسته است و خانواده را زیر مهمیز زورگویی خویش به بند

کشیده است. کشمکش در نمایشنامه‌ی ذبیح، کشمکشی خانوادگی با نتیجه‌ای دردناک است آنچه پایان این نمایشنامه را بغرنج و دردناک می‌کند، عبارت است از به کار افتادن ماشه‌ی زنجیره‌ی جنایت. گویی پس از هر قتل عمده، دروازه‌ای برای جنایت دیگری گشوده می‌گردد و بدون اراده‌ای آهنین، این دروازه هرگز بسته نمی‌شود. بی‌تردید نمایشنامه‌ی ذبیح، لحظات دراماتیک برجسته‌ای را در کشمکش میان مرگ و زندگی آفریده است و با تعلیق‌های چشمگیر، همانند رمان «برادران کارامازوف» داستایفسکی، ما را به گونه‌ای حیران و انباشته از بی‌صبری در برابر این سوال قرار می‌دهد که قاتل اصلی چه کسی است و آیا هرگز مجازات خواهد شد؟ یا آنکه فرد بی‌گناهی، به جای قاتل، به دار مکافات آویخته خواهد گردید. نمایشنامه‌ی ذبیح یک تک‌پرده‌ای موفق برای اجرا در سالن‌های کوچک است.

عطاالله کوپال

زمستان ۱۳۹۹

شخصیت‌ها:

ذبیح	بیست و هفت ساله.
یحیی	هجده ساله. رفتار پسر بچه‌های پنج - شش ساله را دارد.
میعاد	بیست و یک ساله.
مادر (ریحان)	چهل و شش ساله.
پدر (فتحی)	پنجاه ساله.



صحنه

سردخانه سرد و نمورِ پشت یک کشتارگاه، خارج شهر. در گوشه و کنار جعبه‌های چوبی و مقوایی خالی به چشم می‌خورد. قواره‌های بزرگ مشماهای نایلونی و برزنتی و قرقره‌های نخ نایلونی و چنگک‌هایی که از سقف آویزان است. شب است. انباری تاریک است. میعاد، بدحال و تبادار روی زمین دراز کشیده و مشما را روی خودش کشیده است. زیر کورسوی مهتاب که از شیشه بسیار کوچکی در بالای انباری به درون می‌تابد، چون جسد رنگ پریده مچاله شده‌ای دیده می‌شود و گهگاه با صدای خفیفی می‌نالد. پارچه کثیفی به ران پایش بسته است که رویش لکه‌های خون دیده می‌شود. فتحی وارد می‌شود. روزنامه‌ای را در دست گرفته و آن را ورق می‌زند. سپس به سمت تماشاگران برمی‌گردد.